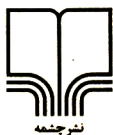


فرهنگنامه داستان‌های متون فارسی

به سرپرستی محمد پارسا نسب، حسن ذوالفقاری

۱

آدم - اسفار



آدم (ع) و آفرینش او^۱

خداوند ابلیس را از جنس آتش می آفریند و او را بسیار گرمی می دارد؛ زیرا بسیار عبادت می کند. آنگاه گروهی از فرشتگان را از آتش می آفریند و آن‌ها را جان می نامد. پس از عصیان جان در زمین، خداوند جهان را به ابلیس می بخشد و از او و فرشتگان دیگر می خواهد که جان را از زمین برانند. پس از آمدن ابلیس به زمین و رانده شدن جان، ابلیس دچار غرور می شود. خداوند نیز تصمیم می گیرد آدم را بیافریند و او را خلیفه خود در زمین گرداند. آنگاه به ترتیب از جبرئیل و میکائیل می خواهد از زمین گِل بردارند. آن‌ها پس از اینکه خاک سوگند می خورد و از داخل گِل امتناع می کند، نزد خدا باز می گردند. بار دیگر، خداوند عزرائیل را می فرستد. وی چهل ریش گِل از زمین بر می دارد. خداوند با آن گِل، آدم را می آفریند؛ اما آن را چهل سال بی جان رها می کند. پس از چهل سال، به آدم جان می بخشد. ابلیس به فرشتگان دستور می دهد که آدم را نزد او ببرند. وی با مشاهده تهی بودن میانه آدم، او را کم توان می داند و ادعا می کند که وی را از زمین خواهد راند؛ اما فرشتگان از یاری رساندن به او سر باز می زنند. خداوند پس از دمیدن جان در کالبد آدمی از فرشتگان

می خواهد که او را سجده کنند. همه به جز ابلیس، چنین می کنند. پس خداوند بر ابلیس خشم می گیرد. ابلیس در گفت‌وگو با خدا، از او عمر ابدی می خواهد. آنگاه سوگند می خورد که مردمان را گمراه کند. خداوند نیز می فرماید: «هرکس را که از تو فرمان برد، به دوزخ می فرستیم.» سپس آدم را به بهشت می فرستد. (ترجمه تفسیر طبری: ج ۴، ۸۵۱-۸۵۵)

موضوع: آفرینش آدم؛ استکبار ابلیس؛ عصیان. درون مایه: خداوند آدم را برای خلافت خود آفریده است؛ استکبار ابلیس موجب خشم خداوند می شود؛ نافرمانی از دستور الهی عقوبت در پی دارد. طرح فشرده: آدم آفریده و در روی زمین خلیفه می شود و ابلیس با او مخالفت می کند. شخصیت‌ها: ابلیس؛ جان (فرشتگان)؛ جبرئیل؛ میکائیل؛ فرشته

بن مایه‌ها و مضامین: چهل: ج ۴، ۸۵۲-۸۵۳؛ ابلیس؛ نافرمانی: ج ۴، ۸۵۱؛ فرشتگان: ج ۴، ۸۵۳؛ گِل: ج ۴، ۸۵۲

آدم (ع) و آفرینش او^۲

۲

خداوند خبر می‌دهد که می‌خواهد خلیفه‌ای در زمین بیافریند. فرشتگان می‌گویند: «خداوندا، ما تو را حمد و ثنا می‌گوییم؛ آیا کسی را می‌آفرینی تا در زمین معصیت کند؟» خداوند می‌فرماید: «من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید.» پس برای آفرینش آدم، جبرئیل را به زمین می‌فرستد تا مقداری خاک از زمین بردارد و می‌فرماید که اگر زمین زنه‌ار خواست، زنه‌ار بده. جبرئیل می‌آید و زمین از او زنه‌ار می‌خواهد. جبرئیل باز می‌گردد. خداوند، میکائیل را می‌فرستد. زمین باز هم زنه‌ار می‌خواهد. چون اسرافیل می‌آید، زمین از او نیز زنه‌ار می‌خواهد. خداوند عزرائیل را می‌فرستد؛ اما این بار اجازه زنه‌ار نمی‌دهد. عزرائیل می‌آید و زمین از او زنه‌ار می‌خواهد. او می‌گوید: «من باید فرمان خدا را انجام دهم.» آنگاه یک قبضه خاک برمی‌دارد و در میان مکه و طائف می‌ریزد. خداوند می‌فرماید: «اکنون که سبب آفریدن این خلق به دست توست، مرگ آن‌ها هم به دست تو خواهد بود.» خداوند، آن خاک را با باران گل می‌کند و از آن گل، آدم را می‌آفریند و به او علم می‌آموزد. آنگاه همه بر آدم سجده می‌برند جز ابلیس. آدم به بهشت می‌رود و حوا از پهلوی چپ او آفریده می‌شود. خداوند از آنان می‌خواهد از همه چیز استفاده کنند؛ جز یک درخت (انگور یا عنجیر یا گندم). از آن سو، ابلیس که از آسمان به قعر دریا افکنده می‌شود، سیصد سال بر در بهشت می‌نشیند تا سرانجام طاووس را با سوگند دروغ می‌فریبد [به روایتی خود را در سر مار جای می‌دهد] و به بهشت می‌رود. در آنجا به صورت مار با آدم و حوا سخن می‌گوید و آن‌ها را می‌فریبد و می‌گوید: «اگر میوه این درخت را بخورید، در بهشت جاویدان می‌مانید.» آدم و حوا وسوسه می‌شوند و میوه آن درخت را می‌خورند. همان دم، لباس‌ها از تشنه‌ان جدا می‌شود. آن‌ها که خود را برهنه می‌بینند، پشت درختان مخفی و سرانجام از بهشت رانده می‌شوند. آدم به سرانندیب می‌رود و حوا به جدو. مار به اصفهان، طاووس به میسان و ابلیس در دریا افکنده می‌شود. (تفسیر سورآبادی: ج ۱، ۴-۹)

موضوع: آفرینش آدم؛ وسوسه شیطان
درون‌مایه: آدم آفریده می‌شود و ابلیس برای فریفتن او تلاش می‌کند.
طرح فشرده: ابلیس از روی حسادت، آدم و حوا را می‌فریبد و آنان از بهشت رانده می‌شوند.

شخصیت‌ها: خداوند؛ ابلیس؛ جبرئیل؛ زمین؛ میکائیل؛ اسرافیل؛ عزرائیل؛ فرشتگان؛ آدم (ع)؛ طاووس؛ مار؛ حوا؛ درخت عناب؛ رضوان
بن‌مایه‌ها و مضامین: جبرئیل: ج ۱، ۴؛ حسادت؛ درخت؛ انگور: ج ۱، ۶؛ دسیسه کردن؛ مکر و حيله؛ دروغ‌گویی؛ ابلیس؛ مار: ج ۱، ۷؛ سوگند خوردن: ج ۱، ۷-۸؛ پشیمانی؛ همسر: ج ۱، ۸؛ تنبیه کردن: ج ۱، ۹
مکان: بهشت
پوشاک: حله؛ کمر عز؛ تاج: ج ۱، ۸
ابنیه و اماکن: کنگره بهشت: ج ۱، ۷

آدم (ع) و آفرینش او^۳

۳

جبرئیل به فرمان خدا مقداری گل از زمین برمی‌دارد. آنگاه خداوند صورت بی‌جان آدم را می‌آفریند و در میان مکه و طائف قرار می‌دهد. پس از چهل سال، جبرئیل جان را وارد جسم آدم می‌کند. خداوند تاج و هدایایی از بهشت برای آدم می‌فرستد و دستور می‌دهد ابلیس و فرشتگان او را سجده کنند. همه جز ابلیس اطاعت می‌کنند. خداوند نیز در پاسخ فرشتگان که علت برتری آدم را می‌پرسند، علم آدم را دلیل برتری او می‌داند. آنگاه به فرشتگان دستور می‌دهد تخت آدم را به بهشت ببرند. (قصص الانبیا: ۸-۱۲)

موضوع: خلقت آدم

درون‌مایه: آدم بر دیگر موجودات برتری دارد.

طرح فشرده: آدم آفریده می‌شود و به بهشت می‌رود.

شخصیت‌ها: خداوند؛ جبرئیل؛ آدم (ع)؛ ابلیس؛ فرشتگان

بن‌مایه‌ها و مضامین: جبرئیل: ۹؛ ابلیس: ۹-۱۰

اشیا: تخت زرین: ۹

آدم (ع) و آفرینش او^۴

۴

خداوند که تمام موجودات را با واسطه آفریده است، وقتی به کار خلقت آدم می‌پردازد، بر آن می‌شود که آدم را بی‌واسطه بیافریند. پس به جبرئیل فرمان می‌دهد که برای ساختن تن آدم، از روی زمین خاک بیاورد. خاک می‌گوید که طاق‌ت قرب خدا را ندارد و جبرئیل را سوگند می‌دهد که او را نبرد. خدا میکائیل را می‌فرستد. خاک، میکائیل را هم سوگند می‌دهد. خدا به عزرائیل فرمان می‌دهد قبضه‌ای از خاک بیاورد و اگر خاک با میل خود نیاید، با زور و اجبار او را حاضر کند. عزرائیل قبضه‌ای خاک